

کاربرد نظریه های ارتباطی - اقناعی در ارتقای فرهنگ ایمنی در برابر زلزله

پروانه پیشنهادی

دکترای علوم ارتباطات اجتماعی، پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله
p.pishnamazi@iiees.ac.ir

کلید واژه‌ها: نظریه های ارتباطی - اقناعی، فرهنگ ایمنی در برابر زلزله، نگرش، جاذبه ترس، رویکرد کارکردی کاتر

چکیده

عدم آگاهی های لازم در مورد زلزله و دانش زمین لرزه و نیز عدم باور عمومی به این مقوله که می توان با آگاهی و بکار بستن اصول ایمنی، خسارات و آثار سوء ناشی از زلزله را به حداقل رسانده و کاهش داد؛ از جمله مواردی است که در پی وقوع هر زلزله همواره هزینه های مادی و معنوی بیشماری بر کشور تحمیل می کند. اصلاح این نگرش و ایجاد باورها و رفتارهای جدید در اذهان عمومی، می تواند به مقدار قابل ملاحظه ای این خسارات را کاهش داده و سبب افزایش ایمنی کشور در برابر زلزله شود. در این راستا بهره گیری از شیوه های ارتباطی و اقناعی، یکی از موثرترین روشهایی است که می تواند بر افراد جامعه اثر گذاشته، در آنها تغییراتی ایجاد نموده و مردم را به سوی انجام یک عمل و یا منع از انجام عملی سوق دهند. برای اینکه بتوان در مردم تغییراتی رفتاری ایجاد نمود، در وهله اول باید نگرش آنها را در مورد یک موضوع خاص مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم در آن تغییر ایجاد نمود. در این نوشتار که هدف از آن کشف راه های مناسب برای تغییر نگرش مردم در زمینه ارتقای فرهنگ ایمنی در برابر زلزله و اقناع علمی و عملی شان با استفاده از شیوه های ارتباطی است؛ دو شیوه از نظریه های ارتباطی - اقناعی: استفاده از "جاذبه ترس" و "رویکرد کارکردی کاتر" که از جمله نظریات اقناعی ای هستند که می توانند در تغییر نگرش افراد نسبت به موضوع ارتقای فرهنگ ایمنی در برابر زلزله مورد استفاده واقع شوند، مورد بررسی قرار می گیرند. بدین منظور مطالعه حاضر بر اساس تحقیقی پیمایشی در شهر تبریز بر مردم، که در معرض زلزله اهر - ورزقان قرار داشتند، انجام گرفت و زلزله مذکور برای شهروندان تبریز به عنوان "پیام ترس آور" در نظر گرفته شد. نتایج حاصل، حاکی از آن است که هر چه میزان شدت احساس زلزله بیشتر بوده، میزان آموختن مباحث مربوط به شیوه های درست مواجهه با زلزله پس از زلزله مزبور نیز بیشتر شده است.

مقدمه

طبق بررسی های به عمل آمده، بیشترین خسارات مالی و مرگ و میرها در زلزله های ایران ناشی از ساخت و سازهای غیر اصولی و فاقد استاندارد و نیز عدم آگاهی افراد از زلزله و شیوه های صحیح مواجهه با این پدیده طبیعی می باشد. متأسفانه در سطح کشور با انبوه افرادی مواجهیم که علاوه بر عدم آگاهی از شیوه های صحیح پناهگیری و مواجهه با زلزله، از وقوع زلزله های متعدد در کشور نیز درس های لازم را نیاموخته و حتی بدنبال کسب آگاهی در این زمینه نیز نمی روند. همین امر خسارات و مرگ و میر ناشی از زلزله را در هنگام وقوع آن به طور مضاعفی افزایش می دهد. از سویی دیگر عدم آگاهی مردم از زلزله، شیوه های صحیح پناهگیری، شیوه های صحیح ساخت و ساز و مقاومت ساختمان ها، مقاوم سازی سازه ای و غیرسازه ای و فقدان شناخت کافی در مورد گسل های فعال و دانش زمین لرزه و نیز عدم باور عمومی به این مقوله که می توان با آگاهی و بکار بستن اصول ایمنی، خسارات و آثار سوء ناشی از زلزله را به حداقل رسانده و کاهش داد؛ از جمله مواردی است که در پی وقوع هر زلزله ای خسارت های وارد شده بر کشور را به شکل چشمگیری افزایش می دهد. از این رو یافتن راه حلی در این زمینه و شیوه ای که بتواند نگرش مردم را در این باب تغییر داده و به سمت رفتارها و اقداماتی ایمن سوق دهد، از دغدغه های اصلی مسوولان مدیریت بحران کشور بوده و هست. بهره گیری از شیوه های ارتباطی و اقناعی یکی از شیوه های موثر تغییر نگرش در افراد است که در این پژوهش با بهره گیری از دو شیوه از پرکاربردترین آنها یعنی نظریات: "جاذبه ترس" و "رویکرد کارکردی کاتر" سعی در پاسخگویی به این سوال داریم که آیا می توان نگرش افراد را با استفاده از نظریه های مذکور نسبت به زلزله و پیامدهای آن تغییر داده و به سمت افزایش آگاهی و ارتقای عملکرد در راستای ایمنی در برابر زلزله سوق داد؟

بدین منظور و در مقام پاسخگویی به سوال مذکور پرسشنامه ای تهیه و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران معین و بین ۳۸۵ نفر از شهروندان تبریز به شیوه ای تصادفی توزیع گشت. آنچه در پی می آید نتایج حاصل از این بررسی است.

مبانی نظری

۱. نگرش

نگرش عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان هایی که شخص را پیشاپیش آماده می کند تا به دیگران، اشیا و گروه های مختلف به شیوه ای مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش ها ارزیابی از اشیا را خلاصه می کنند و در نتیجه پیش بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را بر عهده می گیرند. (جفری لافتس و دیگران، ۲۰۰۹) نگرش را می توان بر حسب نظریه های یادگیری و رویکرد شناختی تعریف کرد. در هر یک از این نظریه ها مفهوم نگرش به گونه ای متفاوت تعریف می شود و هر یک از جنبه های متفاوت نگرش را مورد تأکید قرار می دهد. گوردون آلپورت (۱۹۳۵) نگرش را چنین تعریف کرده است: "نگرش یک حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان می یابد و بر واکنش فرد نسبت به تمامی موضوعات و موقعیت های وابسته به نگرش تأثیر مستقیم و پویا بر جای می گذارد" (سیزر و دیگران، ۱۹۹۱).

در این تعریف که عمدتاً بر نظریه یادگیری استوار است تأثیر تجارب گذشته بر سازمان دادن به نگرش ها و همچنین نشان دادن واکنش به یک موقعیت (آنگونه که در رویکرد رفتارگرایی مطرح است) مورد توجه قرار گرفته است (جفری لافتس و دیگران، ۲۰۰۹).

از سوی کرچ و کراچفیلد (۱۹۴۸) که عمدتاً دیدگاه شناختی داشتند، نگرش را اینگونه تعریف کرده اند: "نگرش عبارت است از سازمان پایدار فرایندهای انگیزشی، عاطفی، ادراکی و شناختی در ارتباط با برخی از جنبه های دنیای فرد". ملاحظه می شود که در این تعریف به خاستگاه نگرش اشاره ای نشده و در عوض تجربه ذهنی زمان حال مورد تأکید قرار گرفته است (سیزر و دیگران، ۱۹۹۱).

۲. جاذبه ترس

یکی از روش های معمول ارتباطی در تغییر نگرش و متقاعد سازی افراد برای اقدام مناسب، تولید پیام هایی ترس آور و ایجاد ترس در مخاطب است. باید توجه داشت که این شیوه زمانی می تواند مثر و مفید واقع شود که سه عنصر کلیدی: "اهمیت و حجم آسیب واقع تصویر شده"، "احتمال پیشامد آن واقعه" و "کارایی یک واکنش حفاظتی" در آن مد نظر قرار گرفته شود. در واقع دلیل اهمیت این سه عنصر به این سبب است که هر عنصر موجب فرایندی از ارزیابی شناختی می شود و سپس این ارزیابی شناختی میزان تغییر نگرش را تعیین می کند. یعنی هنگامی که گروه های مخاطب (مردم) با ترس مواجه می شوند، آن را در ذهنشان می سنجند، اگر آسیب توصیف شده یا ترسناکی واقعه باور نشود یا محتمل به نظر نرسد و یا اعمال توصیه شده برای مقابله با ترس کافی پنداشته نشوند، در نتیجه تغییر نگرش محتمل نخواهد بود. طبق این نظریه که به نام "نظریه انگیزش حمایتی جاذبه ترس و تغییر نگرش" معروف شده و توسط "اورت راجرز" ارائه شده است؛ تغییر نگرش تابع میزان انگیزش حمایتی است که با ارزیابی شناختی که مخاطب به عمل می آورد، پدید می آید (ورنر سورین و جیمز تانکار، ۲۰۰۲).

در این پژوهش با اتکا به این نظریه، وقوع زلزله "اهر- ورزقان" برای مردم تبریز به عنوان یک پیام ترس آور واقعی در نظر گرفته شده است. در این شیوه فرض بر آن است که با در نظر گرفتن سه عنصر کلیدی مذکور این پیام (زلزله اهر- ورزقان) می تواند در مورد تغییر نگرش مردم نسبت به افزایش آگاهی هایشان در مورد، شیوه های صحیح پناهگیری، ایمن سازی سازه ای و غیر سازه ای و مقاوم سازی و ایجاد انگیزه جهت اقدام به آن، کاملاً موفق باشد. چرا که وقوع زلزله های دوگانه اهر- ورزقان در روز ۲۱ مرداد ۱۳۹۱ به فاصله ۱۱ دقیقه از هم، اولی با شدت ۶٫۲ و دومی با شدت ۶٫۳ که منجر به کشته شدن بیش از ۳۰۰ نفر، زخمی شدن بیش از سه هزار و وارد آمدن خسارتی بیش از هشتصد میلیارد تومان گردید. (پیشنماری، ۲۰۱۲) عنصر کلیدی اول را محقق می سازد، چرا که این زلزله واقعی و اهمیت و حجم واقعه نیز کاملاً محسوس است.

وجود گسل های فعال و بویژه گسل شمال تبریز که زلزله شناسان فعالیت و وقوع زلزله در آن را کاملاً محتمل می دانند نیز عنصر کلیدی دوم این نظریه را محقق می سازد.

افزایش آگاهی و دانش عمومی در زمینه زلزله، علوم زمین، شیوه های صحیح مواجهه با زلزله، اصول ایمن سازی سازه ای و غیر سازه ای و مقاوم سازی نیز در حکم سومین عنصر کلیدی (کارایی یک واکنش حفاظتی) قابل اتکا و اجرا می باشد.

با توجه به موارد مذکور، برای بررسی میزان کارایی نظریه انگیزش حمایتی جاذبه ترس و تغییر نگرش مردم تبریز؛ تحقیق میدانی ای صورت گرفت که مطابق آن و همانطور که پیشتر نیز ذکر گردید، پرسشنامه ای بین ۳۸۵ نفر از شهروندان تبریز (حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و با توجه به جمعیت شهر تبریز با سطح خطای ۵ درصد محاسبه شد) به صورت تصادفی توزیع گشت؛ که نتایج زیر از پرسشنامه ها حاصل شد:

جدول (۱): توزیع و درصد فراوانی شهروندان در پاسخ به سوال: "در هنگام وقوع زلزله تا چه حد با شیوه‌های صحیح پناهگیری آشنا بودید؟" در جدول زیر آمده است (زارع و همکاران، ۲۰۱۳)

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
اصلا	۳۳	۸,۶	۸,۶	۸,۶
کم	۷۷	۲۰,۰	۲۰,۱	۲۸,۶
تا حدودی	۱۵۹	۴۱,۳	۴۱,۴	۷۰,۱
زیاد	۹۵	۲۴,۷	۲۴,۷	۹۴,۸
بسیار زیاد	۲۰	۵,۲	۵,۲	۱۰۰
کل	۳۸۴	۹۹,۷	۱۰۰	
بدون پاسخ	۱	۳,۰		
کل	۳۸۵	۱۰۰		

• چنانکه ملاحظه می‌شود، در مورد اینکه افراد در هنگام وقوع زلزله تا چه حد با شیوه‌های صحیح پناهگیری آشنا بودند اکثر پاسخگویان با ۴۱,۴ درصد به این سوال پاسخ "تا حدودی" دادند، ۲۴,۷ درصد "زیاد"، ۲۰,۱ درصد "کم"، ۸,۶ درصد "اصلا" آشنایی نداشتند و ۵,۲ درصد "بسیار زیاد" را انتخاب کردند. چنانچه ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی مربوط به "تا حدودی" آشنایی با پناهگیری و کمترین آن مربوط به گزینه آشنایی "بسیار زیاد" است.

جدول (۲): توزیع و درصد فراوانی شهروندان در پاسخ به سوال: "پس از وقوع زلزله تا چه حد با شیوه‌های صحیح پناهگیری آشنا شدید؟" در جدول زیر آمده است (زارع و همکاران، ۲۰۱۳)

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
اصلا	۶۴	۱۶,۶	۱۶,۹	۱۶,۹
کم	۷۷	۲۰,۰	۲۰,۴	۳۷,۳
تا حدودی	۱۳۴	۳۴,۸	۳۵,۴	۷۲,۸
زیاد	۸۳	۲۱,۶	۲۲,۰	۹۴,۷
بسیار زیاد	۲۰	۵,۲	۵,۳	۱۰۰,۰
کل	۳۷۸	۹۸,۲	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۷	۱,۸		
کل	۳۸۵	۱۰۰,۰		

• در مورد اینکه پس از وقوع زلزله افراد تا چه حد با شیوه‌های صحیح مواجهه با زلزله و پناهگیری آشنا شدند نیز اکثریت پاسخگویان با ۳۵,۴ درصد گزینه "تا حدودی"، ۲۲ درصد "زیاد"، ۲۰,۴ درصد "کم"، ۱۶,۹ درصد "اصلا" و ۵,۳ درصد "بسیار زیاد" را برگزیدند. چنانچه ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی مربوط به "تا حدودی" آشنایی با پناهگیری و کمترین آن مربوط به گزینه آشنایی "بسیار زیاد" است.

جدول (۳): توزیع و درصد فراوانی شهروندان در پاسخ به سوال: "شدت زلزله ای را که احساس کردید، چگونه ارزیابی می کنید؟" در جدول زیر آمده است (زارع و همکاران، ۲۰۱۳)

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۱,۸	۱,۸	۱,۸	۷	خیلی ضعیف
۱۸,۲	۱۶,۴	۱۶,۱	۶۲	ضعیف
۳۹,۶	۲۱,۴	۲۱,۰	۸۱	متوسط
۷۶,۵	۳۶,۹	۳۶,۴	۱۴۰	شدید
۱۰۰,۰	۲۳,۵۲	۲۳,۱	۸۹	بسیار شدید
	۱۰۰,۰	۹۸,۴	۳۷۹	کل
		۱,۶	۶	بدون پاسخ

• اکثریت افراد (۳۶,۹ درصد) شدت زمین لرزه را "شدید"، ۲۳,۵ درصد "خیلی شدید"، ۲۱,۴ درصد "متوسط"، ۱۶,۴ درصد "ضعیف" و حدود ۱,۸ درصد "خیلی ضعیف" ارزیابی کرده بودند. همانطور که ملاحظه می شود اکثریت افراد شدت زمین لرزه را "شدید" ارزیابی کرده و اقلیت شدت آن را "خیلی ضعیف" دانستند.

جدول (۴): جدول توافقی در زمینه فرضیه "میزان شدت احساس زلزله و آموختن مباحث مربوط به شیوه های صحیح مواجهه با زلزله پس از وقوع زلزله مزبور" به صورت زیر است (زارع و همکاران، ۲۰۱۳)

شدت احساس زلزله	آموختن مباحث مربوط به شیوه های صحیح مواجهه با زلزله					کل
	بسیار زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	اصلا	
خیلی ضعیف	۰	۱	۲	۲	۲	۷
ضعیف	۴	۱۹	۲۱	۱۱	۵	۶۰
متوسط	۵	۲۲	۳۲	۱۵	۵	۷۹
شدید	۵	۳۲	۵۱	۲۷	۲۳	۱۳۸
بسیار شدید	۵	۹	۲۶	۲۰	۲۹	۸۹
کل	۱۹	۸۳	۱۳۲	۷۵	۶۴	۳۷۳

• همانطور که ملاحظه می شود؛ اگر چه در خصوص آگاهی و آشنایی با شیوه های صحیح پناهگیری، قبل و بعد از وقوع زلزله (جدول ۱ و ۲)؛ تفاوت معناداری وجود نداشته است، اما بین میزان شدت احساس زلزله و فراگیری این مباحث همبستگی وجود دارد (جدول ۴)؛ به عبارتی هر چه میزان شدت احساس زلزله بیشتر بوده، میزان آموختن مباحث مربوط به شیوه های درست مواجهه با زلزله پس از زلزله مزبور بیشتر شده است. به عبارت دیگر این دو متغیر با هم رابطه مستقیم دارند.

جدول (۵): توزیع و درصد فراوانی شهروندان در پاسخ به سوال: "تا چه حد پس از وقوع زلزله با ایمن سازی غیرسازه ای آشنا و اصول آن را در بکارگیری و چیدمان وسایل و لوازم منزل رعایت می کنید؟" در زیر آمده است (زارع و همکاران، ۲۰۱۳)

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۲۰,۷	۲۰,۷	۲۰,۵	۷۹	اصلا
۴۰,۴	۱۹,۷	۱۹,۵	۷۵	کم
۶۸,۵	۲۸,۱	۲۷,۸	۱۰۷	تا حدودی
۹۱,۶	۲۳,۱	۲۲,۹	۸۸	زیاد
۱۰۰,۰	۸,۴	۸,۳	۳۲	بسیار زیاد
	۱۰۰,۰	۹۹,۰	۳۸۱	کل
		۱,۰	۴	بدون پاسخ
		۱۰۰,۰	۳۸۵	کل

- در مورد میزان آشنایی افراد با ایمن سازی غیرسازه ای پس از وقوع زلزله اهر- ورزقان، اکثریت افراد با ۲۸,۱ درصد پاسخ "تاحدودی"، ۲۳,۱ درصد "زیاد"، ۲۰,۷ درصد "اصلاً"، ۱۹,۷ درصد "کم" و عده کمی با ۸,۴ درصد پاسخ "بسیار زیاد" را دادند. می توان چنین نتیجه گرفت که میزان آشنایی با ایمن سازی غیرسازه ای پس از وقوع زلزله افزایش یافته (۵۹,۶ درصد؛ مجموع پاسخ خای: تاحدودی، زیاد و بسیار زیاد) و وقوع زلزله محرکی برای کسب و افزایش آگاهی در این زمینه ها بوده است.

جدول (۶): توزیع و درصد فراوانی شهروندان در پاسخ به سوال: "تا چه حد پس از وقوع زلزله آگاهی شما در خصوص مقاوم سازی ساختمان ها افزایش یافته است؟" در جدول زیر آمده است (زارع و همکاران، ۲۰۱۳)

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
اصلاً	۵۹	۱۵,۳	۱۵,۴	۱۵,۴
کم	۷۳	۱۹,۰	۱۹,۱	۳۴,۵
تا حدودی	۱۳۳	۳۴,۵	۳۴,۷	۶۹,۲
زیاد	۹۸	۲۵,۵	۲۵,۶	۹۴,۸
بسیار زیاد	۲۰	۵,۲	۵,۲	۱۰۰,۰
کل	۳۸۳	۹۹,۵	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۲	۰,۵		
کل	۳۸۵	۱۰۰,۰		

- در مورد اینکه آگاهی شهروندان تبریز پس از وقوع زلزله اهر- ورزقان در مورد مقاوم سازی افزایش یافته یا خیر اکثریت با ۳۴,۷ درصد پاسخ "تاحدودی"، ۲۵,۶ درصد "زیاد"، ۱۹,۱ درصد "کم"، ۱۵,۴ درصد "اصلاً" و ۵,۲ درصد نیز پاسخ "بسیار زیاد" داده بودند. همانطور که ملاحظه می شود در این مورد اکثریت افراد پاسخ "تاحدودی" و اقلیت پاسخ "بسیار زیاد" را داده اند. می توان چنین نتیجه گرفت که میزان آگاهی عمومی مردم در مورد مقاوم سازی پس از وقوع زلزله افزایش یافته (۶۵,۵ درصد؛ مجموع پاسخ خای: تاحدودی، زیاد و بسیار زیاد) و وقوع زلزله محرکی برای کسب و افزایش آگاهی در این زمینه بوده است.

جدول (۷): توزیع و درصد فراوانی شهروندان در پاسخ به سوال: "تا چه حد پس از وقوع زلزله به بررسی وضعیت ساختمان خود در مقابل وقوع زلزله ای احتمالی پرداخته اید؟" در جدول زیر آمده است (زارع و همکاران، ۲۰۱۳)

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
اصلاً	۸۳	۲۱,۶	۲۱,۷	۲۱,۷
کم	۶۶	۱۷,۱	۱۷,۲	۳۸,۹
تا حدودی	۱۲۴	۳۲,۲	۳۲,۴	۷۱,۳
زیاد	۹۴	۲۴,۴	۲۴,۵	۹۵,۸
بسیار زیاد	۱۶	۴,۲	۴,۲	۱۰۰,۰
کل	۳۸۳	۹۹,۵	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۲	۰,۵		
کل	۳۸۵	۱۰۰,۰		

- در مورد اینکه شهروندان تبریز پس از وقوع زلزله اهر- ورزقان تا چه حد به بررسی وضعیت موجود ساختمان های خود پرداختند نیز اکثریت با ۳۲,۴ درصد پاسخ تاحدودی، ۲۴,۵ درصد زیاد، ۲۱,۷ درصد اصلاً، ۱۷,۲ درصد کم و ۴,۲ درصد نیز پاسخ بسیار زیاد دادند. همانطور که ملاحظه می شود در این مورد اکثریت افراد پاسخ تا حدودی و اقلیت پاسخ بسیار زیاد را داده اند. همانطور که ملاحظه می شود پس از وقوع زلزله شهروندان تبریز، تا حد زیادی (بیش از ۶۱,۱ درصد) به بررسی وضعیت موجود ساختمان خود پرداخته اند. (مجموع پاسخ های: زیاد، بسیار زیاد و تا حدودی)

جدول (۸): توزیع و درصد فراوانی شهروندان در پاسخ به سوال: "تا چه حد پس از وقوع زلزله نسبت به مقاوم سازی یا بهسازی ساختمان مسکونی خود اقدام نموده‌اید؟" در جدول زیر آمده است (زارع و همکاران، ۲۰۱۳)

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
اصلاً	۱۲۴	۳۲,۲	۳۲,۵	۳۲,۵
کم	۶۸	۱۷,۷	۱۷,۸	۵۰,۴
تا حدودی	۸۴	۲۱,۸	۲۲,۰	۷۲,۴
زیاد	۹۲	۲۳,۹	۲۴,۱	۹۶,۶
بسیار زیاد	۱۳	۳,۴	۳,۴	۱۰۰,۰
کل	۳۸۱	۹۹,۰	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۴	۱,۰		
کل	۳۸۵	۱۰۰,۰		

• در مورد اینکه تا چه حد پس از وقوع زلزله امر- ورزقان شهروندان تبریزی نسبت به مقاوم سازی یا بهسازی ساختمان مسکونی خود اقدام کردند؛ اکثریت با ۳۲,۵ درصد پاسخ اصلاً، ۲۴,۱ درصد زیاد، ۲۲ درصد تا حدودی، ۱۷,۸ درصد کم و ۳,۴ درصد پاسخ بسیار زیاد دادند. چنانچه ملاحظه می شود اکثریت پاسخ اصلاً و اقلیت پاسخ بسیار زیاد را برگزیده اند. همانطور که ملاحظه می شود پس از وقوع زلزله شهروندان تبریز، تا حد زیادی (بیش از ۴۹,۵ درصد) اقدام به مقاوم سازی ساختمان خود کرده اند. مجموع پاسخ های تا حدودی، زیاد و بسیار زیاد

۳. رویکرد کارکردی کاتز

بنا به این نظریه "دانیل کاتز" استدلال می کند که شکل گیری و تغییر نگرش را باید برحسب کارکردهایی که نگرش ها برای شخص دارند سنجید. به نظر وی داشتن نگرش های خاص در انسان بر اساس پاسخ به نیازهایش می باشد. و تا زمانی که ندانیم داشتن یک نگرش چه نیازی را در انسان برآورده می کند، به خوبی نمی توانیم پیش بینی کنیم که چه زمانی و چگونه آن نگرش تغییر خواهد کرد. کاتز چهار کارکرد اصلی زیر را که نگرش ها برای انسان دارند، معرفی می کند (مک کوایل، ۱۳۸۲):

۱. **کارکرد ابزاری، سازگارکننده یا منفعتی:** دلیل داشتن بعضی نگرش ها این است که افراد می کوشند در محیط بیرونی خود پاداش ها را به حداکثر و مجازات ها را به حداقل برسانند. بنابراین می توان از این کارکرد برای ایجاد نگرش مثبت در زمینه افزایش آگاهی هایشان در زمینه زلزله و تبعات آن، دانش زمین لرزه و شیوه های صحیح مواجهه با آن به منظور کاهش خسارات ناشی از زلزله و نیز جلب مشارکت مردم در طرح های مقاوم سازی با تعریف مکانیزم های تشویقی مالی نظیر در نظر گرفتن تسهیلات، اعطای وام های کم بهره و طولانی مدت، ارایه بیمه های ارزان قیمت و... از سوی مراجع و نهادهای مسوول و مجری این طرح ها استفاده نمود.
۲. **کارکرد دفاع از خود:** بعضی از نگرش ها به این دلیل است که افراد از خویشتن خویش در مقابل محرک های غیرقابل قبول خود یا آگاهی از عوامل تهدید کننده بیرونی حفاظت کنند. بنابراین احساس خطر تخریب ساختمان در برابر زلزله و وقوع آوار و مرگ و میر ناشی از آن میتواند به عنوان ابزاری برای تقویت نگرش مثبت به انجام مقاوم سازی و افزایش آگاهی در مورد شیوه های صحیح پناهگیری و مقاوم سازی سازه ای و غیرسازه ای تجسم پیدا کند.
۳. **کارکرد اظهار ارزش:** بعضی نگرش ها به فرد امکان می دهند تا احساس مثبتی درباره ارزش های اصلی و نوع شخصیتی که فرد احساس داشتن آن را می کند اظهار نماید. به عنوان مثال فردی که در فعالیت های جمعی مربوط به مقاوم سازی شرکت می کند و اقدام به این عمل می نماید، احساس بالنده ای نسبت به نوع دوستی و حفظ بقای خود و نزدیکانش خواهد داشت.
۴. **کارکرد شناختی:** بعضی نگرش ها میل به آگاهی را در افراد برآورده می کنند و یا ساختار یا معنایی را فراهم می آورند که در غیر این صورت محقق نمی شود. مثلاً فردی که با مطالعه و افزایش آگاهی خود در زمینه های: مقاوم سازی ساختمان، زلزله و علوم مربوط به زمین و مخاطرات ناشی از آن دست یافته، فردیت ارتقا یافته خود را از طریق نگرش مثبت به انجام مقاوم سازی سازه ای و غیرسازه ای اظهار خواهد داشت.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد

بنابراین با عنایت به مطالب عنوان شده، می توان این فرضیه را پذیرفت که با اتکا به نظریه های ارتباطی- اقلناعی: "جاذبه ترس" و "رویکرد کارکردی کاتز" و تولید پیام های ارتباطی مبتنی بر این دو نظریه، تغییر نگرش مردم نسبت به افزایش آگاهی هایشان در مورد: زلزله، نحوه مواجهه صحیح با آن و شیوه های درست پناهگیری، مقاوم سازی ساختمان و ایمن سازی سازه ای و غیرسازه ای میسر بوده و امکان سمت و سو دادن مثبت به آن وجود دارد. بدیهی است که اثربخشی تولید چنین پیامهایی صرفاً با اتکا به اصل سوم فنون اقناع یعنی "تکرار گسترده پیام های مذکور" میسر است. چرا که همانطور که ملاحظه شد، نتایج این پژوهش مبین آن است که:

۱. اگر چه در خصوص آگاهی و آشنایی با شیوه های صحیح پناهگیری، قبل و بعد از وقوع زلزله؛ تفاوت معناداری وجود نداشته است، اما بین میزان شدت احساس زلزله و فراگیری این مباحث همبستگی وجود دارد؛ به عبارتی هر چه میزان شدت احساس زلزله بیشتر بوده، میزان آموختن مباحث مربوط به شیوه های درست مواجهه با زلزله پس از زلزله مزبور بیشتر شده است. به عبارت دیگر این دو متغیر با هم رابطه مستقیم دارند.

۲. میزان آشنایی با ایمن سازی غیرسازه ای و آگاهی در مورد مقاوم سازی پس از وقوع زلزله تا حدودی افزایش یافته و وقوع زلزله محرکی برای کسب و افزایش آگاهی در این زمینه ها بوده است.

۳. پس از وقوع زلزله شهروندان تبریز، تا حد زیادی به بررسی وضعیت موجود ساختمان خود پرداخته و حتی اقدام به مقاوم سازی نموده اند.

در نهایت می توان چنین نتیجه گرفت که استفاده از نظریه های "جاذبه ترس" و "رویکرد کارکردی کاتز" برای تغییر نگرش، رفتار و ارتقای آگاهی های عمومی مردم نسبت به مفاهیم و موضوعات مربوط به زلزله می تواند مثمرتر واقع شوند. این بدان معناست که کاربرد این نظریه ها برای مسوولان مدیریت بحران زلزله با همکاری رسانه های گروهی از طریق ساخت و تولید پیام های ترس آور و کارکردی در زمینه زلزله و استمرار اشاعه این پیام ها ضمن ایجاد: ترس از زلزله (نظریه جاذبه ترس) و یا کارکردهای: منفعتی، دفاع از خود، اظهار ارزش و شناختی (رویکرد کارکردی کاتز) در مردم، می تواند به عنوان محرکی در افراد عمل کرده و آنها را نسبت به افزایش آگاهی هایشان در مورد: زلزله، شیوه های صحیح پناهگیری، شیوه های صحیح ساخت و ساز و مقاومت ساختمان ها، مقاوم سازی سازه ای و غیرسازه ای سوق داده و و حتی با تغییر نگرشی که ماحصل ارتقای آگاهی هایشان است به سمت اقدام و رفتاری عملیاتی در راستای افزایش ضریب ایمنی در برابر زلزله رهنمون شود. بنابراین پیشنهاد این پژوهش به مسوولان مدیریت بحران و اصحاب رسانه ها، تهیه فیلم ها، آنونس ها، انیمیشن ها، کلیپ ها و مطبوعاتی است که بر اساس نظریه های مذکور تهیه و پخش شوند.

مراجع

پیشنمیزی پ (۱۳۹۱) برف هم آمد؛ مردم آذربایجان همچنان بی خانمان هستند، خبرنگار پژهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله، سال پنجم، شماره های ۱۱ و ۱۲، صفحه ۴

زارع م. و همکاران، "مستندسازی خطر زلزله در آذربایجان شرقی در شهر تبریز با هدف درس آموزی برای شهر تهران"، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، صفحه: ۱۰۶، تهران

سیرز و دیگران (۱۹۹۱) به نقل از حسن پاشا شریفی، "اصول روان سنجی و روان آزمایی"، رشد، چاپ هشتم، صفحه ۴۱۳، تهران

لافتس ج. و دیگران (۲۰۰۹) ترجمه: دکتر حمزه گنجی و مهدی گنجی، "زمینه روان شناسی اتکینسون و هیلگارد"، انتشارات ساوالان، چاپ پانزدهم، تهران

مک کوایل د. (۱۳۸۲) ترجمه: پرویز اجلاالی، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها. چاپ اول، صفحات: ۳۴۳-۳۵۰، تهران

ورنر س. و تانکارد ج، ترجمه: دکتر علیرضا دهقان. "نظریه های ارتباطات"، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، صفحه ۲۵۰، تهران